



۲۰۱۶/۰۹/۲۵

میر عنایت الله آشفته

آیا ما واقعاً و آگاهانه خواهان صلح هستیم؟

با کی؟ با چهره های سیاسی، نظامی کشور یا با ملانک و فرشته های آسمان!

برج سرطان ۱۳۹۴ مطلبی نوشتم به حاکمان کشور تحت عنوان «شما از مجبوریت صلح می خواهید، اما با حفظ دست آورد های ۱۴ ساله و قانون اساسی تان» و خدمت هموطنان محترم نیز پیش کش نموده بودم. حال با وجودیکه می دانیم آغاز جنگ، تداوم جنگ و اشغال پی در پی کشور از ۳۸ سال بدینسو توسط رهبران و نخبگان سیاسی افغان در تبنانی با بیرونی ها آغاز یافته بود؛ بدون مداخله و حمایت شان؛ نیز پایان نخواهد یافت!



بناءً انکشافات اخیر و دست آورد کمیسیون صلح دولت کابل توسط پیر صاحب سید احمد گیلانی و هیأت اعزامی حزب اسلامی حکمتیار را منحصیث یک شخصیت مستقل، مسلمان، صلح دوست، تبعهٔ مسؤول و گره خورده با ملت، اما فارغ از پیوند و ارتباط تشکیلاتی، در قبال ایجاد فضای صلح و آرامش کشور صمیمانه، مُخلصانه، منصفانه، غیر جانبدارانه، برادرانه و دلسوزانه بدون حُب و بُغض با دولت به خود گرفتار کابل، اپوزسیون به اصطلاح داخل دولت، اپوزسیون مسلح دولت «طالبان» اپوزسیون قدرتمندان و فعلاً باز نشسته اما زورمندان غیر مسؤول؟ مخالفان ملیونی ولی متفرق و غیر مسلح «اکثریت قاطع ملت اسیر و خاموش ساخته شده» نیرو های سیاسی موافق و مخالف، نهاد های مدنی؟! وابسته به دولت، حلقات حاکم و جانبدار، سازمان ها، تعدادی از رسانه های ظاهراً آزاد ولی مزد بگیر و انحصاری؛ در یک کلام به همه اتباع ملت واحد (افغانستان زخمی کثیرالقومی، کثیرالزبانی، کثیرالفرهنگی، کثیرالمذهبی، دینی) مسؤولانه؛ این توافقنامه را به فال نیک گرفته و به عرض میرسانم این که:

دولت سهامی ساخته شده، صادر شده و تحمیل شده بُن که توسط رئیس جمهور سابق و فرستاده شدهٔ خود امریکا، جناب حامد کرزی؛ در زمان حاکمیتش کشور را اشغال شده خواند. بار ها اعضای برجسته دولت، پارلمان، کابینه، تعدادی تحلیلگران وابسته به حلقات حاکم در دولت، کشور را از تربیون رسمی و مطبوعات، اشغال شده معرفی داشتند. پس مشکل شما با حرب اسلامی حکمتیار و طالبان در چیست؟

وقتی کشور اشغال شد، بدون شک تعدادی از فرزندان به مقاومت و مخالفت چه مسلحانه و چه غیر مسلحانه دست زدند. بناءً اقدام تلافی جویانه و انتقام گیرانه اضلاع متحدهٔ امریکا قبل از فیصله شورای امنیت ملل متحد، رژیم افراطی، خشن اما یک دست طالبان را به اتهام تجاوز به حریم امریکا (۱۱ سپتمبر) قهراً با همکاری پاکستان سرنگون ساخت. موقف اپوزسیون از همان آغاز بر علاوه رژیم ساقط شده، هر وطن دوست آزادیخواه و آزاد منش را؛ روشن

ساخت. چنانی که در زمان اشغال شوروی، صف موافقین و مخالفین چه مجاهد مسلح و چه مجاهد غیر مسلح؛ آشکار گردید.

چنانکه میدانید پس از قریب ده سال جنگ بی نتیجه، تمایل به صلح، مذاکره و تفاهم بوجود آمد. جلساتی در چند کشور اروپایی و آسیایی با وساطت سازمان ملل متحد، سازمان پگواش، کشور های ذی نفوذ و ذیعلاقه با مشورت و موافقه اضلاع متحده امریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه، قطر، چین، پاکستان و . . . تا سرحد چهارمین اجلاس با نظارت امریکا در پاکستان به پیش رفت. نتایج پنهان هر چه بود؛ میدانیم ولی نتیجه نهان همین بود که: جنگ راه حل نیست و برنده ندارد. بناءً تداوم مذاکرات در جنگ و گریز علنی و مخفی ادامه داشته و امیدی به ختم جنگ وجود دارد. طرفین جنگ تحمیلی و نیابتی که به قیمت خون شجاع ترین فرزندان «افغان توسط افغان» به پیش برده میشود، از خود شرط و شروطی دارد و تا جای معلوم یکی از آن شرایط پذیرش قانون اساسی و دست آورد!؟ های ۱۶ سال اخیر میباشد، که نمایندگان حزب اسلامی آنرا پذیرفته اند؛ این قلم نیز منصفانه به چند دست آورد محدود و مثبت معترف می باشم. نویسنده این سطور متعلق به نسل سوخته و متضرر که در اثر راکت پرانی جنگ های داخلی مثل هزاران هزار خانواده داغدار و سوگوار کشور و شهر کابل، خواهر بزرگم، کارمند ریاست باختر را با پسر جوانش در ساحه فابریکه جنگل کابل از دست دادم و مظلومانه به شهادت رسید، خوب میدانم و آگاه استم که هیچ طرفی درگیر جنگ، مستحق اهدای دسته گل؛ به دفاع از مردم مسلمان و بگروگان گرفته شده نبودند و نیستند.

بناءً برای ایجاد فضا و شرایط صلح عادلانه در کشور به ملت مستحق خود، مثل هزاران هزار وطن دوست و صلح طلب دیگر، این سپاهی گمنام هیچ زمانی خواب راحت نداشته و در حد توان، فهم و درک خود به تلاش صادقانه و خیر اندیشانه ادامه داده ام.

سوال برانگیز خواهد بود که در حضور قوت های ائتلاف ناتو، امریکا و ۴۹ کشور مقتدر جهان، دولت نظامیگر پاکستان بخود گرفتار که به هیچ نیروی سیاسی افغانستان چه تنظیم های مجاهدین هفتگانه، چه رژیم طالبان، چه دولت آقای کرزی و چه دولت دو منزله افتراق ملی، صادق نبوده و به همه خیانت نموده اند، باز هم بتواند در افغانستان، بزرگترین قدرت نظامی جهان را زمین گیر سازد؟

بهتر و منطقی خواهد بود که نقش و منافع متضاد تعدادی از کشور های شامل ائتلاف در افغانستان و منطقه را جداگانه به ارزیابی بگیریم. ماهیت دولت متضاد، متخاصم، غرق در اختلاف و انحصارگری را جداگانه محاسبه نماییم. و قوت مخالفان چند دست مسلح افغان را در یک محاسبه عادلانه و منصفانه قرار دهیم. قبول نماییم که این مقاومت متعلق به پنجابی نه بلکه از افغان ولی به حمایت بیرونی میباشد. دولت نیز به حمایت قوی ۴۹ کشور متکی است.

راه حل و طُرق ختم اختلافات ناشی از خود خواهی، انحصارگری و . . . را خلاف خواست جنگ افروزان خارجی و داخلی باید افراد متعهد و خبیر دلسوز بوطن باید دریابد. بهتر است معترف شویم و دست از لجاجت برداریم. افغانستان خانه مشترک همه اتباع آن بوده و چهره های متعهد، مؤمن، مجاهد، مقاومتر، ایثارگر، آزاده، با تقوا، ملی گرا و مسلمان، دعوتگر، منور، دین دار وطن دوست و غیر دین دار اما وطن دوست در هر حزب و سازمان سیاسی و در هر گوشه و کنار کشور چه شمال و چه جنوب یا شرق و غرب کشور بوده میتواند. جاسوس، وطن فروش، خاین بوطن و منافع ملی نیز شامل هر حزب، سازمان و قومی شده میتواند. بناءً اگر وطن را می سازیم یا خدا ناخواسته بیشتر از این به آتش میزنیم، قبل از بیگانه ها ما خود مجری همه بدبختی ها و زمینه ساز مداخله اجانب بوده ایم. چه دلاور است دزدی که به کف چراغ دارد.

حال هموطنان جانبدار و زورمندان داخلی غرق در امتیازات هر مخالفتی که با صلح دارند، حق بجانب خواهند بود. اما اکثریت مطلق ملت که مواد سوخت این جنگ تحمیلی را تشکیل میدهند؛ چرا شکار تبلیغات زهر آگین قرار میگیرند؟ صلح باکی؟ با چهره های سیاسی، نظامی کشور یا با ملائک و فرشته های آسمان؟ یا با مردم عوام متفرق و متضرر، اسیر ذهن و تحت ستم، که بشکلی از اشکال در مُم و حمایت زورمندان، آگاهانه یا غیر آگاهانه به انگیزه های تنظیمی، قومی، سمتی، زبانی و . . . اسیر و گرفتار می باشند. (اگر گفته شود ما خواهان صلح هستیم ولی آماده پذیرش واقعیت نیستیم؛ کی مسؤول خواهد بود؟) تعدادی از هموطنان ما آگاهانه، ظالمانه و ناعاقبت اندیشانه از جوانبی داخلی و خارجی تلاش تبلیغاتی دارند تا اهمیت مذاکرات مستقیم دولت با حزب اسلامی و طالبان را بی حاصل و بی ارزش جلوه دهند؛ چرا؟

اگر واقعاً آنها بی تأثیر و بدون نقش هستند، پس ترس از چه دارید؟ اگر تشویش وابستگی به بیرون باشد؛ کدام نیرو شامل در قدرت بدون حمایت خارجی است؟ این حقیر دور از هر نوع پیوند و ارتباط چنین مذاکرات را که به پایان جنگ و خود ارادیت ملت آزاده افغان منتج شده بتواند، امیدوارانه، با احتیاط به فال نیک میگیرم. و از هیچ اتهام و برجسپی هراس ندارم. شخصیت های متعلق به مجاهدین، حزب اسلامی، تحریک طالبان و تعدادی از اهل سیاست میدانند و شناخت دارند که این حقیر در کفش ریگ ندارد و در حوادث خونین ۳۸ سال گذشته به هیچ رژیمی ضد مردمی دست همکاری دراز نکرده است. زبان، قلم و قدمش در کنار ملت آزاده، استوار و هدفمند برای تأمین عدالت و تحقق قانون بوده و متحمل هر ستمی از جانب دولت های ضد مردمی بوده است. انشاءالله با توکل بخدا به تعهد خود تا پایان عمر کم باقیمانده و نامعلوم، بدون چشم طمع و توقع در موضع حق علیه باطل باقی خواهم ماند.

بناءً منحيث یک تبعه و نه شهروند؟ در کشور عقب نگهداشته شده قبیله خود که پس از شهادت یا فوت پدر، زورمند، ارث قدرت و مقام، به فرزند حتی صغیرش از جانب دولت طی ۱۶ سال تحت حمایت دیموکراسی؟! غرب؛ به وارث اش می رسد و نمونه هایش در دولت دو منزله کابل کم نیست؛ آرزو دارم؛ نماینده های طالبان نیز به ابتکار خویش و ادامه مذاکرات قبلی شان، با همکاری نهاد های مسؤول داخلی و خارجی؛ تلاش پیگیر اسلامی و دین افغانی نمایند تا با خرد و عقلانیت فرزندان مُخلص، افراد متعهد به وطن و منافع ملت مسلمان، به یک صلح واقعی، عادلانه و افغانستان شمول دست یابند. ملت حد اقل از ترس بمباردمان داخلی و خارجی، انتحار یا انفجار، اختطاف و سرقت تفنگ بدستان غیر مسؤول؟ غصب دارایی های عامه، قانون شکنی و هزار و یک شر و فساد حاکم در جامعه که متعلق به همه نیروی سیاسی مافیایی در کشور می باشد، نقطه پایان گذاشته شود.

به باورم تا دولت متعلق به ملت که همه افشار و نیروهای متعهد بوطن، فداکار، قانون گرا و سالم جامعه در آن حضور متعادل نداشته باشد، نه صلح ممکن خواهد بود و نه امکان ترقی، نه تعالی کشور و نه از خود کفایی و پیشرفت خبری خواهد بود.

بناءً قبل از هر اقدامی نیاز به داشتن دولت مقتدر، باثبات، فارغ از اشغال، دوستی با جهان متمدن و خواهان همکاری نیک و متقابل با همسایه ها در منطقه و جهان باشیم. این آرزومندی زمانی برآورده خواهد شد که قبل از همه مدعیان وطن دوست با تحمل، هم دیگر پذیری، اخلاص و عاقبت اندیشی به وحدت عمل و نظر ثابت سازند که افغان اند و آزادی خواه، هیچ آجدای افراطی در افغانستان و خارج از سرحدات خود ندارند. دوستی و همکاری با جامعه جهانی را بنابر منافع علیای کشور، خواهانند ولی نه متکی به حمایت نظامی؛ کشور ما هیچ زمانی قصد تجاوز به دیگران

را نداشته و ندارد. حفظ تمامیت ارضی و نوامیس ملی وظیفه فرزندان خود کشور می باشد. ترجیح دهیم غریب باشیم ولی با عزت.

می دانم هموطنان به اصطلاح دانشمند کتاب خوان، ایدیالوژی باز با استدلال آرمانگرایانه که منطقی است اما غیر عملی؛ این حقیر را به باد استهزا گرفته به اتهام عقبگرا و قبیله گرا برچسپ زنند؛ ولی بهتر خواهد بود به نسل های جوان و بازمانده از جنگ که غرق در تعصب و فرقه سازی ها جذب می شوند؛ از جانب یک فرد مستقل و ملیگرا مؤمن، متعهد بوطن و سخت پایند به همدلی، تحمل پذیری، با درک از منافع ملی، وحدت آگاهانه و برادرانه و آزاد منشی دعوت گردند. این حق مسلم را بخود محفوظ دانسته لذت زندگی با همی را با برادران مسلمان دیندار، غیر دیندار و هنود باوران وطن دوست کشورم؛ عاجزانه و خالصانه برای زنده ماندن انسان با معرفت توصیه نمایم.

په درنشت آشفته ای وطن

به امید حاکمیت عقل بر احساسات!

مخ په وړاندي د گد کور د ژغورولو او ساتنی په لور!

